

باورهای عامیانه مردم سنگسر

گردآورنده : چراغعلی اعظمی «سنگسری»

بخش یکم

آسمون و آسمون اورو Awsmun u awsmun owru

آسمان و دیدنیهای آن

۱- سنگسریها آسمان را سقف زمین میدانند و درشگفتند که چگونه خداوند بدون ستون چنین سقفی را ساخته است .

۲- خورومونگ - «khor» یعنی خورشید را خواهر و «mung» یعنی ماه را برادر میدانند و میگویند بر سر ظاهر شدن در روز بین این دو نزاعی درمیگیرد . ماه به خواهر خود میگوید تو زنی و نباید در روز خود را نشان دهی . خورشید میگوید با افشاندن نور مردم را از دیدن صورت خود باز میدارم . سرانجام کار به زدو خورد میکشد و خورشید پنجه بر روی ماه میزند و براو چیره میشود . لکه‌های روی ماه آثار زخمی است که از خواهرش بر صورت خود داشته است . ماه نو را «وشت» «vasht» و ماه تمام را «مشته مونگ» «mashta mung» یعنی ماه پر میگویند .

۳- در موقع گرفتن ماه و خورشید ظروف مسی و برنجین را بصدا در می‌آوردند و معتقدند با این کار این بلای آسمانی که بر اثر گناه بندگان خدا حادث گشته است رفع میشود .

۴- اگر خورشید زیر ابر پنهان شود کودکان گردهم می‌آیند و در خواندن این شعر با جست و خیز هم‌آواز میشوند باین امید که خورشید سر لطف آید و چهره بنماید .

خور و جون خور تو که - پوست دو گی پر تو که - خاموری تر تا مپینه - کچا کچه سر ندیه -
ترفه قالب ورندیه

Khoru jun khotrow ka - pustu d vagi partow ka - khaw mori tar tawm bapata-kachaw kamcha sarandia - tarfa ghawlab varandia

یعنی خورشید کوچک عزیز آفتاب کن - پوست کوچک (یعنی ابر) را بردار پرتاب کن - مادران برای تان پلو پخته است - قاشق و ملاقه روی آن گذاشته است - و قالب ترفه (قره قروت) پهلوی آن نهاده است .

۵- کودکان به ماه میگویند «اله تی تی» «Allawhtiti» - هر وقت ماه را در آسمان می‌بینند میگویند اله تی تی بابا را کجا دیدی .

۶ - بلافاصله بعد از مشاهده ماه نو به آب یا سبزه یا مسكوك طلا و نقره نگاه میکنند و این عمل را باعث رونق کارخویش میدانند .

۷ - در صورتیکه کسی بماء نو نگاه کند و بلافاصله توجه به صورت کسی بنماید روی صورت آنشخص جوش و زخم پیدا میشود . میگویند مثلاً « مونگ توونده » Mung ta vanda یعنی ماه را بتو انداخته اند .

۸ - هر گاه دور ماه دایره ای (از بخار) ایجاد شود میگویند بارندگی میشود .

۹ - حرکت ستارگان را در شب که گاهی اتفاق میافتد و ستاره ای از سوئی به سوئی میرود نشانه مردن مردم میدانند زیرا هر کس دارای ستاره ایست و افول آن دلیل بر مرگ اوست .

۱۰ - هفت برارک - (یعنی دباکبر) - میگویند مردی همسری داشت که هفت پسر و یک دختر آورد دختر هنوز شیرخواره بود که مادرشان در گذشت و پیش از آنکه به خاک سپرده شود پدرزنی دیگر اختیار کرد این زن به آزار فرزندان او پرداخت و خود را به بیماری زد و گفت دوای من خون فرزندان تست پدر قصد کشتن آنها را کرد آنها که از ماجرا آگاهی یافته بودند تابوت مادر خود را برداشته پا به فرار نهادند پدر به تعقیب آنها پرداخت و نزدیک بود دستگیر شوند که خداوند بزرگ به داد آنها رسید و آنها را به آسمان برد تا جاودان بمانند و دست کسی بدامنشان نرسد . چهار ستاره از هفت ستاره که بصورت مربع مستطیل هستند چهار برادرند که تابوت مادر را بردوش دارند و از جلو در حرکت کنند . پشت ستاره ششم ستاره کوچکی دیده میشود و این همان خواهر کوچک است که یکی از برادران او را بردوش گرفته است .

۱۱ - چهار ستاره که بصورت لوزی است « مگو » یا « ماکو » نامیده میشود .

- سه ستاره « گر » یعنی واحد اندازه گیری است .

- چند ستاره هم « سفره آرد » است و گوشه آنرا که آلوده به خمیر بوده گربه خورده و آنرا ناقص کرده است .

- سه ستاره « کل » « Kal » یعنی اجاق نامیده میشود .

- شش ستاره ششک نامیده میشود که همان پروین است . چند ستاره هم ترازوست .

ستاره شمالی جدین نامیده میشود .

- کرکشون - یعنی کهکشان راه خانه خداست .

۱۲ - دو ستاره درخشان در آسمان که به لیلی و مجنون مشهورند در فصل معینی متدرجاً بهم نزدیک میآیند تا بهم میرسند و باز از هم دور میشوند . سنگسریها معتقدند در موقع بهم رسیدن این دو ستاره اگر کسی آرزوی کند این آرزو برآورده میشود . میگویند « ورزر » « Varzer » یعنی برزگری در انتظار بهم رسیدن این دو ستاره روز شماری یا بهتر بگوئیم « شب شماری » میکرد و در نظر داشت که در لحظه رسیدن این دو ستاره بهم دیگر بگوید « باله طلا » « Bawla Talaw » یعنی بیل من مبدل به طلا شود . سرانجام آن لحظه فرار رسید و برزگر بادستپاچگی گفت « باله فیفه » « Bawla fifa » یعنی « بیل پاروشود » و همینطور هم شد . حالا اگر کسی با وجود انتظار زیاد بمقصود خویش نرسد یا از کار او نتیجه معکوس بدست آید میگویند « باله د فیفه کرته » « Bawleda fifa karta » یعنی « بیل را پارو کرده است » !!

۱۳ - ظهور ستاره های دنباله دار را مقدمه جنگ و خونریزی در روی زمین میدانند .

- شهابهای بزرگ را که در جئو زمین ظاهر و همه جا را روشن میکنند نورخوبانی میدانند که تازه وفات یافته اند .

بخش دوم

ورف و وارش VARF U VAWRASH

برف و باران

۱ - سرخ شدن افق را در طلوع و غروب آفتاب نوعی « سوختن » میدانند و میگویند

« صبح بسوزه شوم بواره شوم بسوزه کی بواره » Sob basuzah shum bavahrah-shum

« basusah key bavawrah? اگر صبح بسوزد شام میبارد - اگر شام بسوزد کی میبارد؟
بطوریکه پیداست معتقدند اگر صبح افق قرمز رنگ شود شب بارندگی میشود و اگر شب
چنین شود معلوم نیست کی ریزش باران یا برف آغاز میگردد .

۲ - معتقدند اگر آب درموقع ریختن در برخورد با زمین صدای زیر و بلند بدهد
باران میبارد .

۳ - سنگسریهامیگویند قطره های باران و برف را فرشتگان خدا بزمین میآورند باین ترتیب
که هر دانه باران یا برف را یک فرشته آنهم فقط یکبار بزمین میآورد - شماره فرشتگان بحدی
زیاد است که از آغاز آفرینش تاکنون هنوز آمدن هیچ فرشته ای به زمین بترتیب بالا تکرار
نشده است .

۴ - اگر با آفتابی بودن هوا از ابرهای پراکنده باران بیارد میگویند خدا مشغول اصلاح
سروصورت است .

۵ - اگر باران درموقع باریدن حبابهایی درمحل جمع شدن آب وجود آورد میگویند
« وارشی » « Vawrashi » میشود یعنی پی در پی باران میبارد .

۶ - میگویند « آل » یعنی صاعقه الماس بجای میگذارد و الماس زمین را شکافته آفتقر
فرو میرود تا باب برسد پس از رسیدن به آب به سطح زمین باز میگردد و بهمین جهت است که
الماس را روی زمین میابند .

۷ - اگر باران متوالیاً بیارد و عرصه را تنگ کند و بند نیاید بناچار « تاوه » « Tawvah »
ایرا به فضای باز میبرند و اجاقی درست میکنند و تاوه را روی آن میگذارند و زیر آن آتش میکنند
قطرات باران به داخل آن میبارد و میسوزد و این امر باعث بند آمدن باران میشود . مبادرت باین
اقدام اضطراری را درمواقع معمولی جایز نمیدانند و فقط از فرط استیصال ممکن است زیر تاوه
را باین ترتیب آتش کنند .

۸ - اگر باران زیاد بیارد و باعث زحمت شود زنی مقداری از اثاثیه خانه از قبیل جارو
و سه پایه و خاک انداز و غیره را بخود می بندد و درحالیکه زنان دیگر او را همراهی میکنند از شهر
یا « خیل » « Khil » یعنی اردوگاه تابستانی خارج شده از دست باران سربصخره میگذارد و میگوید :

Shundi shundi شوندی شوندی : میروم میروم

Dasti wawrashi shundi دستی وارش شوندی : از دست باران میروم

Kordi gawlashi shundi کردی گالشی شوندی : میروم چوپانی و گالشی کم

Ma kark kuli bammarto م کَرَک کولی بمرت : ما کیانم در مرغدانی مرده

Ma khar towla bammarto م خرتوله بمرت : الاغم در طویله مرده

Ma pas jaw kuh bammartan م پس جا کوه بمرت : گوسفندانم همه در کوه مرده اند
با این تدبیر باران شرمنده میشود و باز میایستد .

۹ - معتقدند که در انتهای قوس قزح یا بقول خودشان « تیرکمون » « Tirkamun »
گنج نهفته است .

۱۰ - اگر پائیز روی برگ سبز رعد بصدا درآید میگویند خشکسالی میشود .

۱۱ - اگر رعد بیموقع یعنی مثلاً در اواخر پائیز یا در زمستان بصدا درآید میگویند
چهل روز پس از آن بارندگی نخواهد شد .

۱۲ - اگر برف درموقع باریدن بازی کند یعنی بگردش درآید میگویند زیاد میبارد .

۱۳ - میگویند در زیر کوه دماوند اژدهائی جای گرفته است کوه دماوند که از حرارت
نفس اژدها در رنج بوده به خداوند پناه میبرد و میگوید چه گناهی کرده ام که اژدها را در درون
من جا داده ای که چنین بمن آزار دهد خدا را دل برحم آمده میگوید اندوه بخود راه مده کاری
میکنم که پیوسته بدنت از برف پر شده باشد تا گرمای درون، را بی تأثیر سازد ابر را نیز مأمور

- میکنم که پیوسته بر تو سایه افکند و چنین میشود و دماوند از سوز درون رهایی مینیابد .
- ۱۴ - اگر ابری که در سمت جنوب است به رنگ سیاه در آید میگویند « دم س واکرت »
« Dam so vawkarta » یعنی « چهره خود را سیاه کرده است » و این علامت قطع بارندگی است.
- ۱۵ - هر وقت هوا غبار آلوده میشود یا باصطلاح خودشان « خاك میبارد » میگویند در جائی خونریزی شده است .
- ۱۶ - اگر در ببحوحه جشن عروسی برف یا باران بیارد میگویند داماد همیشه ظروف غذاخوری را بعد از اتمام غذا لیسیده است .
- ۱۷ - اگر خورشید اندکی پس از طلوع زیر ابر پنهان شود میگویند « حور بخوییه »
« Khor bakhuyiya » یعنی آفتاب خندیده است و همان روز یا روز بعد بارندگی میشود .
- ۱۸ - معتقدند در روزهای ریزش برف یا باران اگر خورشید موقع فرورفتن از ابر پوشیده نباشد بارندگی قطع میشود .
- ۱۹ - اگر ابرها متراکم شده و بارندگی نشود میگویند ابرها « ماچکی » « Mawchaki »
یعنی ماده بوده است . چون بعقیده سنگسریها چنین ابرهایی نازا میباشند !!
- ۲۰ - معتقدند « کرموک » « Karmuk » یعنی تگرگهای ریز که گاهی در زمستان بمقدار زیاد و بمدت بسیار کم میبارد باعث صاف شدن هوا میشود .

بخش سوم

ویلاچ تبالچ - کاتا کویتا - ناخاری - شورگه

Vilawch Tablawch - Kawtaw Kavizhaw - Nawkhawri - Shurgeh

عروسی - بچه‌ها - کسالت - تشییع جنازه

- ۱ - میگویند « هادِه گرت سات ناسات داندِه »
« Hawde Hagert sawt nawsaht dawnda »
یعنی ازدواج دختر و پسر از يك خانواده با دختر و پسر از يك خانواده دیگر « خوش یوم » نیست و منتهی به مرگ این عروسها و دامادها میشود . لذا حتی المقدور از چنین وصلتی خودداری میکنند و اگر بنا به مصلحتی ناچار بآن باشند سعی میکنند با قربانی کردن گوسفند و خیرات دفع شر نمایند .
- ۲ - روز قبل از عروسی پیرزنان در بستر عروس و داماد میخوانند و معتقدند این کار باعث عمر طولانی آنها میشود .
- ۳ - وقتی که داماد وارد حجله میشود اناری را بشدت بدیوار مقابل میکوبد این کار برای این است که وصلت فرخنده باشد بعلاوه معتقدند که داماد بتعداد دانه‌های انار دارای فرزندان برومند خواهد شد .
- ۴ - اگر در يك شب، عروسی از راهیکه عروس دیگر طی کرده و بحجله رفته است عبور کند عروس اول دچار متارکه باشوهرش میشود .
- ۵ - نشانیدن دو عروس یا دو داماد را در يك جای جایز نمیشمارند و میترسند که برای یکی از آنها حادثه ناگواری روی دهد .
- ۶ - اگر زن حامله به مرده نگاه کند نوزاد او دارای چشم « گیرا » « Giraw » خواهد بود یعنی چشم او بهر کس یا هر چه متوجه شود بدبختی میآورد .
- ۷ - برای اینکه بفهمند نوزاد زن حامله پسر خواهد بود یا دختر بدون آنکه بفهمد اندکی گرد نمک برفرق سراو میریزند و دزدیده باو نگاه میکنند اگر دست به سر و موی خود بکشد نوزاد دختر خواهد بود و اگر دست به لب و چانه خود و مخصوصاً به لب فوقانی بزند نوزاد

پسر خواهد بود .

۸ - اگر موعد زائیدن طفل بگذرد و این امر دچار اشکال شود ته‌قلیان را به زن باردار میدهند تا دهنه آنرا بدهان خود نزدیک کرده و مادرشوهر خود را با صدای بلند نام ببرد این کار باعث تسهیل تولد نوزاد خواهد شد !!

۹ - هیچگاه مادران را پیش از آنکه ده روز پس از تولد نوزاد به گرمابه ببرند تنها نمیگذارند چون ممکن است «آل» آنان را بزند و با ربودن قلب یا جگرشان موجب مرگ آنان شود . حتی اگر به گرمابه بردن این مادران بجهاتی تا چهل روزهم میسر نباشد از ترس «آل» بهیچوجه از آنان دور نمیشوند . «آل» موجودی است شبیه غول با این تفاوت که پیوسته خواهان اذیت رساندن یا کشتن مادران است .

۱۰ - زنانیکه کودکان شیرخواره دارند اگر بخواهند برای انجام کاری بدون کودک خود خانه را ترک گویند کودک را درجائی میخوابانند و بالای سرش در تاقچه کتاب دعا مینهند و روی آن نان میگذارند و معتقدند با این ترتیب پریان طفلشان را عوض نخواهند کرد .
- اگر نوزاد مشتهای خود را گره کند خسیس خواهد شد اما بازبودن دست او نشانه سخاوت در آینده است .

- دختر نوزاد میگوید تا سه روز پس از تولد مرا بپذیرید پس از آن جای خود را باز خواهم کرد .

- نوزادان میگویند حتی اگر ما را در گوش الاغ (که ظاهراً بسیار گرم است) بگذارند باز هم گرم نمیشویم و احتیاج به حرارت بیشتر داریم .

- فرشتگان بشوخی بنوزاد میگویند پدر و مادر ت مرده‌اند و او را بگریه وامیدارند بعد او را دل‌داری داده میگویند شوخی کرده‌اند و نوزاد از خوشحالی میخندد و دلیل گریه و خنده نوزاد همین شوخی فرشتگان است .

۱۱ - از گرفتن آینه جلو اطفال شیرخوار پرهیز میکنند و معتقدند که چون آنان بیگناه هستند در آینه مقام بیگناهی خود را آشکارا می‌بینند و این امر ممکن است باعث ترس و وحشت آنها بشود .

۱۲ - اگر کودکان در سینی بنشینند باید مابدها تفاوت وزن کودک و سینی را بصورت خوراکی بعنوان صدقه بدهند این امر در مورد هر طرف دیگری نظیر لگن و دیک و غیره نیز صادق است . جاری شدن مداوم آب دهان از لب و لوجه کودکان حاکی از دولتمندی آنان در آینده است .

۱۳ - اگر کودکان جارو بدست گیرند میگویند مهمان وارد میشود .

۱۴ - اگر کودکان پاهای خود را باز نموده و دولا شوند میگویند دروازه درست کرده‌اند و در چنین وضعی ورود مهمان قطعی است .

- اگر گربه دست و روی خود را بلیسد میگویند مهمان می‌آید .

۱۵ - وقتی زکام همه گیر میشود میگویند « مگه ویوک و وچئو عقد ها کرت » «Maga Vivak u vachchu aghd hawkarta» یعنی « مگر بیوه زن با بچه را بعقد کسی درآورده‌اند » که این وضع پیش آمده است .

۱۶ - یک عطسه را « صبر » مینامند و مبادرت به کار را بلافاصله بعد از آن جایز نمی‌شمارند اگر تعجیل دارند باید بنشینند و بعد حرکت کنند - عطسه دوم را « جخت » میگویند و مبادرت به کار را بعد از آن شایسته میدانند عطسه سوم را تأیید عطسه دوم می‌شمارند و اقدام به کار بعد از آن را بفال نیک میگیرند - اما میگویند « شوی صبر جخته » « Showy sabr Jakhta » یعنی « صبر » شب مثل « جخت » است بعبارت دیگر یک عطسه در شب در حکم دو عطسه در روز است و مبادرت به کار بعد از آن مانعی ندارد .

۱۷ - میگویند « آول و انده کور کندی - سورجا و انده گور کندی » «Awval vawnda kur kandi. Surjaw vawnda gur kandi» یعنی آبله میگوید کور میکنم اما سرخک میگوید

بگور میفرستم .

- ۱۸- اگر روی صورت کسی «گره گونده» «Gareh Gundah» یعنی جوشها و زخمهایی پیدا شود میگویند آب گرم روی پریان ریخته است .
- ۱۹- اگر کسی بیمار شود باندازه قامت او پارچه تهیه نموده و به مستمندان میدهند تا بهبودی پیدا کند این پارچه را «سرتاسری» «Sar tawsari» میگویند .
- اگر موی کسی از پشت سر سفید شود گویند غم پنهانی داشته است .
- ۲۰- درموقع بیرون بردن جنازه از خانه اگر کسی عطسه یا سرفه کند سه بار دست به پشت او و بعد به زمین میزنند .
- ۲۱- اگر مرگ و میر بعد از مردن کسی زیاد شود میگویند ممکن است کفن را بدهن کشیده باشد و برای جلوگیری از مرگ و میر بیشتر نیش قبر کرده و کفن را از دهن او بیرون میکشند .
- ۲۲- دفن کردن مردگان پس از غروب آفتاب را جایز نمی‌دانند زیرا معتقدند که با تابیدن نور ستاره به داخل قبر «مرگی» «Margi» میشود یعنی بسیاری از مردم می‌میرند . هرگاه کار دفن مرده‌ای بطول انجامد و آفتاب غروب کند برای جلوگیری از مرگ و میر زیاد بوته‌های خار را آتش زده بیام میافکنند تا با این عمل فرورفتن «خور» «Khor» را جبران نموده باشند .
- ۲۳- «برمه» «Borma» (یعنی گریه) بیجهت و مداوم اطفال را نیز بفال بد میگیرند.
- ۲۴- «خویه» «Khuyeh» (یعنی خنده) بیجهت و مداوم را نیز بفال بد میگیرند.
- ۲۵- پریدن چشم (یعنی حرکت یا لرزش عضلات اطراف آن) حاکی از مطالبی باین شرح است - لرزش پلك فوقانی چشم راست شومی می‌آورد - پریدن پلك تحتانی چشم راست عامل نیکبختی است - درمورد چشم چپ عکس شرح فوق صادق است و گاهی تعبیر این «پریدنها» بستگی به تجربه شخصی دارد .
- ۲۶- اگر روی ابروی کسی پر کاه یا چیز کوچکی جای گیرد میگویند ابرویش بار آورده است و باید منتظر سوغات باشد .
- ۲۷- اگر ابرو خارش کرد بعد از خاراندن آن دست را میبوسند و دوباره با برو میکشند. علت اینکار معلوم نیست زیرا در این جا دیگر سوغات نخواهد رسید .
- ۲۸- اگر گوش زنگ بکشد میگویند کسانی مشغول غیبت کردن آنان هستند .
- در صورتیکه فاصله بین دندانهای کسی باز باشد میگویند روزیش زیاد است .
- ۲۹- سوزش خفیف نقطه‌ای از پا مقدمه ورود مهمان عزیز است و سوزش خفیف دست یا صورت مقدمه رسیدن خبر خوش میباشد .
- ۳۰- «ناخون ناخون بژتن» - «Nawkhun nawkhun bazhetan» یعنی بهم زدن ناخن دودست که معنی و نتیجه آن درسنگسرخ چینی و دامن زدن نزاع و آشوب است .
- ۳۱- چیدن ناخن را در شب ناپسند میدانند .
- ۳۲- پراکندن ناخن دست و پا را کاری ناپسند میدانند و آنرا معمولاً در پاشنه در میریزند و بر این عقیده‌اند که در روز رستاخیز ناخنها بصورت نیزه و آلات برنده دیگر روئیده و مانع ورود دجال به خانه میشود.
- ۳۳- بدستور پیغمبر رفتن به گرمابه را در روزهای چهارشنبه جایز نمی‌شمارند و معتقدند که اگر کسی نادانسته چهار چهارشنبه متوالی به گرمابه برود دچار «نگ نکه گری» «Nag naka gari» یعنی رسوائی و بدبختی میشود .
- ۳۴- اجنه و پریان در گرمابه «ویلاچ» «Vilawch» میکنند یعنی جشن عروسی و رقص و پایکوبی برپا میدارند بدین سبب تنها به گرمابه رفتن را جایز نمیدانند .
- ۳۵- اگر زبان کودکان یا بزرگسالان پیوسته بیرون از دهن بماند میگویند مادرشان

در زمان بارداری به جایی رفته که مشغول خوردن چیزی بوده‌اند و از تعارف کردن با او خودداری کرده‌اند .

۳۶ - غول موجودی است خطرناک که مصمم به برانداختن نسل آدمی است اما خوشبختانه مشکلی درپیش دارد که پیوسته بآن میاندیشد و از آزار مردم باز میماند و آن نداشتن بینی است . برای رفع این عیب همیشه درکار ساختن آن است اما بینش پی‌درپی فرو میریزد و ناچار است دوباره دست بکار ساختن شود . بعلاوه باوجود خصومتی که با انسان دارد میترسد با نزدیک شود چه ممکن است در جریان مبارزه به بینی او زبانی وارد آید .

بخش چهارم

جینجی بژه Jinji Bazheh

گوناگون

۱ - در روز «ورمز» «Varmaz» اولین روز ماههای سنگسری «ورمز» «Varmazi» یعنی شخص مبارک‌قدمی که چنین روزهایی بمنزل کسان و دوستان خود میرود صبح زود با سبزه و سنگ‌ریزه که در آب قرار داده وارد منازل میشود سبزه و آب علامت سرخوشی و شادابی و سنگ‌ریزه نشانه استحکام و تندرستی است . اگر «ورمزی» بجهتی درمحل نباشد صبح روز «ورمز» کفش او را بداخل میاندازند و فقط پس از انجام این آئین است که حاضر میشوند در را بروی دیگران بگشایند .

۲ - اگر استخدام چوپانی همراه با مرگ‌ومیر درگله شود میگویند «بدچو» (یعنی بدچوب) یا «بددماره» «bad damawra» (یعنی بدقدم) است .

۳ - «س‌آل» «So awl» (یعنی سیاه دهن) به کسی گفته میشود که پیوسته لب به نفرین می‌گشاید . مردم از چنین کسانی دوری می‌جویند تا گرفتار نفرین و عواقب آن نشوند .

۴ - اگر شخصی یا جوان زیبایی بجمعی وارد شود هر یک از حاضران از لباس خود نخعی جدا کرده با تش می‌افکنند تا زخم چشمان در او کارگر نشود .

۵ - اگر مردی از میان دو زن ایستاده عبور کند همسرش می‌میرد بنابراین مردانیکه بزنان خود علاقمندند از این کار می‌پرهیزند .

۶ - گذشتن از میان دو نفر را که ایستاده جایز نمیدانند و آنرا عامل تیره‌روزی می‌پندارند .

۷ - میگویند دوست بسر دوست خود نگاه میکند و خدا را شکر میکند که دوستش مرفه و دارای ملوس خوب است اما دشمن بی‌انگاه میکند و منتظر است که طرف او پا برهنه و گرسنه بماند .

۸ - اگر پدری پسرش نفرین کند ریش او آمین می‌گوید . اما اگر مادری بفرزندش نفرین کند نفرین از روی سینه برمیگردد و کارگر واقع نمیشود چون نمیتواند از صمیم قلب به فرزندش نفرین کند .

۹ - در شروع بافتن یا رشتن به حاضران میگویند پا را حرکت ندهید چه ممکن است پای شما سنگین باشد و این باعث کندی کار شود .

۱۰ - رشتن نخ با چرخ نخ‌ریسی و همچنین جارو کردن منزل را در «پشتی خور» «Pashti khor» یعنی پس از غروب خورشید ناپسند میدانند و جارو کردن منزل را در چنین وقتی باعث کم‌شدن روزی میدانند .

۱۱ - برش لباس در روزهای شنبه جایز یا بقول خودشان «سوک» «Sovok» یعنی سبک است .

اگر روز یکشنبه لباس برش شود صاحب آن می‌میرد و این لباس را مرده‌شور از تن او

خارج خواهد کرد. دوشنبه هم «سبک» است. برش روز سه‌شنبه منتهی به سوختن لباس میشود اما میگویند «چهارشنبه ورین پنجشنبه بدوژ آینه دوژ لولو لولوئی سراینده»

“Chawr shanba varbin panshanba baduzh awyna davozh lowlu lowluyi sar inda.

یعنی چهارشنبه ببر پنجشنبه بدوز جمعه بیوش - لباس روی لباس می‌آید. اگر زنی روز پنجشنبه لباس را برش کند باید پنج خواهر جمع شوند تا آنرا بدوزند و انجام اینکار زحمت زیادی دارد.

۱۲ - مسافرت روز چهارشنبه را جایز نمی‌شمارند - در مقابل چهارشنبه هم میگوید اگر مرا بفال نیک بگیرند و بسفر بروند منافع سرشاری میبرند.

۱۳ - اگر سر یک جفت کفش بهم نزدیک و ته آن از هم دور ماند میگویند دشمنان ما مشغول غیبت درباره ما هستند و سرکفش را از هم جدا میکنند - اما اگر کفشها دنبال هم قرار گیرند میگویند صاحب آن به مسافرت خواهد رفت.

۱۴ - از زدن چوبدستی به تیرهای داخل چادر می‌پرهیزند و معتقدند که این عمل باعث میشود که مأمورین ناصالح بآن چادر مراجعه و مزاحمت ایجاد کنند.

۱۵ - به اجاق گرم و خورشید و ماه و خمیر سرد و تنور گرم و روشنی چراغ قسم میخورند.

۱۶ - هنگام بختن نان روی خمیر را کاملاً پوشیده نگاه میدارند و خمیر را «بونک بونک» «Bunak bunak» (قطعه‌گرد شده اندازه قرص نان) بر میدارند بدون آنکه پوشش آنرا کنار کشیده باشند زیرا باز گذاشتن روی خمیر باعث سلب برکت میشود.

۱۷ - به نان سوگند میخورند. احترام به نان و سفره بر همه واجب است با گسترده شدن سفره فوراً در اطراف آن جمع میشوند و معطل گذاشتن آنرا جایز نمیدانند. اگر نان بزمین افتد آنرا بوسیده به پیشانی مینهند. خوردن خرده نان و برنج را که روی سفره میافتد ناخوشایند میدانند چه این سهم فرشتگان است. شروع غذا بنام خداست و پایان آن به سپاسگزاری بدرگاه او.

۱۸ - افتادن قطعات غذا از دهن شخص مژده رسیدن هدایائی جهت اوست.

۱۹ - خوردن «کلوچ» «Kaluch» یعنی نان سوخته را که در تنور افتاده باشد بسیار تشویق میکنند و میگویند شخصیکه چنین کند راه یافتن گنج را برای خود هموار ساخته است.

۲۰ - معتقدند که سفره غذا را نباید در شب تکان داد.

۲۱ - اگر در موقع صرف غذا مهمانی وارد شود و غذا تمام شده باشد میگویند مادر زنش (یا مادر شوهرش) باو بیعلاقه است و اگر تازه شروع بصرف غذا شده باشد میگویند مادر زنش (یا مادر شوهرش) باو بسیار علاقمند میباشد.

۲۲ - «جنگک جنگک کرا» «Jang Jang Karaw» استخوان مهره مانند پای گوسفند که عامل ایجاد اختلاف است. اگر بخواند درجائی آشوبی بیاکنند یا در خانه‌ای اختلاف اندازند آنرا مخفیانه بدانجا میافکنند.

۲۳ - شستن صافی شیر و آبگردان مخصوص شیر را جایز نمی‌شمارند زیرا چنین کاری سلب برکت خواهد کرد.

۲۴ - بیرون ریختن آب گرم را در شب جایز نمیدانند و میگویند ممکن است موجودات ناپیدا یعنی پریان را بسوزاند.

۲۵ - «دوسازی» «Du sawzayi» یعنی استفاده از جارو بوسیله دوشخص در آن واحد در جای واحد ناشایسته است و آنرا بفال بد میگیرند.

۲۶ - گذاشتن دسته جارو را بزمین ناپسند و عامل بدبختی میدانند و سر جارو را همیشه بزمین مینهند. اگر جارو روبه‌وا باشد دشمن سر بلند میشود. سر جارو در حکم سر دشمن است و نباید بالا باشد.

۲۷ - هرگاه کودکان چیزی را مفقود نمایند هم صدا شده میگویند - «شیطون کله پا

میرنگی نسمة مَیة نسمة تَیة «

«Sheitun Kalah paw mare bangi nasma maya nasma taya

- یعنی ای شیطان کله پا برای من پیدا کن نیمی برای من و نیمی برای تو .
- ۲۸ - هرگاه چیزی مفقود شود گوشه دستمال یا سفره یا پارچه‌ای را گره زده میکشند و میگویند این پریان هستند که آن چیز را ربوده‌اند و گوشه گره خورده دم آنهاست و با فشار آن مجبور به بازگرداندن چیز مفقود شده میشوند .
- ۲۹ - میگویند فوت کردن به کلاف سردرگم یا گره سخت باعث بازشدن آن میشود .
- ۳۰ - میگویند از تدبیر کوتاه‌قدان باید برحذر بود چون دوسوم اندام آنها در زیر زمین است .
- ۳۱ - میگویند رشد موی سر از آب سینه است اگر کسی خوشحال باشد رشد موی او زیاد است اما اگر اندوهگین باشد موی سرش میریزد و پریشان و آشفته میشود .

بخش پنجم

جگ جونور - پس - مهر موزیک - Jag junvar - pas - mahor muzhik

جانوران - گوسفندان - خزندگان

- ۱ - اسبی که دست آن سپید باشد بد قدم است و آنرا ارزاتر می‌خرند . و اگر بدبختی خانواده‌ای پس از وصلت شخصی با آن خانواده باشد به آن شخص «اسپی دست‌اسم» «Aspidast asm» یعنی اسب سفید دست خطاب میکنند .
- ۲ - معتقدند که اسب ستاره پیشانی یعنی اسبی که پیشانی‌ش سفید باشد صاحبش می‌میرد .
- ۳ - تملک خرپوزه سیاه و خر سیاه‌رنگ و خریکه رانش قرمز باشد با شر همراه است .
- ۴ - اگر الاغی وقتی که خوابیده است عرعر کند میگویند فرشتگان آسمان می‌خندند و باران زیادی میبارد .
- ۵ - معتقدند - چارپائی که نعشی را کشیده باشد بزودی بعد از چنین کاری سقط میشود .
- ۶ - اگر زمستان گاوها بازی کنند یا بعد از آنند هوا کولاک میشود .
- ۷ - اگر گوسفندان و بزها بازی کنند و باهم به‌جنگ مشغول شوند میگویند هوا «زنش» «Zanash» خواهد کرد یعنی طوفانی خواهد شد .
- ۸ - آخرین گوسفند یا بز را که از محل «بَره» «Barah» یعنی محل دوشیدن شیر خارج میشود «برکتی» میگویند و از دوشیدن آن پرهیز میکنند زیرا چنین کاری باعث سلب برکات خداست .
- ۹ - چوپانها که در بهار از چراگاه زمستانی عازم بیلاق هستند وقتی که برای اولین بار شیر برنج یا بزبان سنگسری «شیروا» «Shirvaw» درست میکنند پیش از آنکه خود آنرا بخورند آنرا به سگهای خود میدهند و دلیل آن این است که میگویند گرگی به سگی میگوید صاحب بتو علاقه ندارد بیا با هم شریک شویم و از گوسفندها طعمه‌ای فراهم آوریم سگ میگوید برعکس خیلی هم مورد توجه چوپان هستم پس از گفتگوی زیاد سرانجام باین نتیجه میرسند که اگر چوپان بسگ علاقه‌مند باشد شیر برنج را اول به سگ میدهد و گرنه باو علاقه ندارد و آنوقت است که باید بنا به پیشنهاد گرگ رفتار کنند اتفاقاً چوپان هم بعد از تهیه شیر برنج اول آنرا به سگ میدهد و علاقه خود را به او ثابت میکند و سگ در حفظ و حراست از گله پا برجاستر میشود . غیر ممکن است که اولین خوراک شیر برنج چوپانها به سگهاشان داده نشود .

ناتمام